

دائره جینگ

اثر لائونزی (قرن ششم ق.م.)

ترجمه از متن چینی باستان

ترجمه و تعلیقات: اسماعیل رادپور



زندگی
روزانه
۱۳۹۶

سرشناسه: لائودزو Lao-Tzu
عنوان و نام پدیدآور: دائو ده جینگ، ترجمه از متن چینی باستان /
اثر لائودزی، ترجمه و تعلیقات اسماعیل رادیپور.
مشخصات نشر: تهران: زندگی روزانه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.، جدول.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۳۴-۲-۶
یادداشت: نمایه.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: واژه‌نامه.
موضوع: تائوئیسم
موضوع: Taoism
شناسه افزوده: رادیپور، اسماعیل، ۱۳۶۶-، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۲۱۳۹۶ ق ۳ / ج ۱۹۰۰ BL
رده‌بندی دیویی: ۲۹۹ / ۵۱۴۸۲
ساره کتابشناسی ملی: ۴۶۵۹۵۰۱

زندگی



www.everdaylife.ir

دائوده جینگ

اثر لائودزی (قرن ششم ق.م.)
ترجمه از متن چینی باستان

ترجمه و تعلیقات:
اسماعیل رادیپور

طراحی جلد و صفحات:

کارگاه گرافیک سپهر

چاپ یکم: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۴۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۳۴-۲-۶

قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است.

مقدمه / ۹

دائوده جینگ: متن و ترجمه / ۳۹

یادداشت‌ها / ۱۲۹

شرح اصطلاحات / ۱۶۱

فهرست اصطلاحات / ۱۶۹

فارسی‌نویسی چینی معیار / ۱۸۳

یکی از بزرگ‌ترین آثار معنوی چین باستان، «دای جینگ» (道德經) یا دفتر حق و راستی را در سنت چینی یادگار «لاتو دزی» (老子) حارف و حکام دوره حکومت دودمان «جَو» شرقی (قرون ۸ تا ۵ ق.م) دانسته‌اند؛^۱ دفترى موجز متشکل از هشتاد و یک بند کوتاه، ولی به عمق دریاهاى عظیم و به بلندای آسمان‌های رفیع. در برزخى نهمین بس که بیش از هفتصد شرح و تفسیر در سنی جگمى شرقی دور بر آن نوشته‌اند و بیش از سیست و پنجاه بار به زبان‌های غربی ترجمه شده است. توجه شهریاران و قفقوران چین نیز به «دای جینگ» معطوف بوده است و تعالیم آن را در امور حکومت به کار می‌بسته‌اند و حتی بعضی برایین

۱. همچنین، این دفتر معروف است به «لاتو دزی» یا دفتر استاد پیر یعنی نویسنده آن. نامیدن آثار به نام نویسندگانی آنها رسمی رایج در چین قدیم بوده است.

دفتر شرح نوشته‌اند.^۲ همچنین، «آیین دائویی» (دائو جیانو 道教) که خود را میراث‌دار سنتی می‌داند که به «لائو‌دزی» می‌رسد، این دفتر را بسیار تکریم می‌کند، چه با مطالعه گسترده آن، چه با کاربست و قرائت آن در اجرای اعمال روزانه، و چه با شروح متعدد در اعصار مختلف که پیران بزرگ دائویی نگاشته‌اند.

مجموعه حاضر مشتمل است بر ترجمه‌ای بی‌پیرایه و نزدیک به لفظ از دائو‌ده جینگ بر مبنای (و همراه با) نسخه هه‌شانگ‌گنگ و با نظری به دیگر نسخ کهن، و نیز یادداشت‌هایی در ره‌مانی برخی الفاظ و عبارات، ترجمه، اختلافات نسخ و نکات دیگر، و همچنین شرح ادعلاجات مهم و مکتز این دفتر.^۳

و این مقامه در ره شخصیت «لائو‌دزی»، جایگاه او و دفتر دائو‌ده در سنت دائویی، انجمن دائویی^۴ را اعادار نزدیک به زمان تألیف دائو‌ده جینگ شکل گرفته بود، و میراث‌داران «لائو‌دزی» به می‌کند، و سپس ساختمان و مفاهیم دائو‌ده جینگ را، و دست‌نبرشته‌ها و نسخه‌ها، مختلف دفتر دائو‌ده را بررسی می‌کند، و با نکاتی چند درباره ترجمه این دفتر ختم خواهد شد.

«لائو‌دزی»

مطابق عقیده سنتی پیروان آیین دائویی، «دائو» را مهاب متکثر وجود، ظهورات است؛

۲. از جمله شروح و تفاسیری که امیران بر دائو‌ده جینگ نوشته‌اند، باید کرد به تفسیر «شیوین دژنگ» هفتمین فغفور دودمان «تانگ» که هم به لحاظ حکمت و هم به املایان، آن را در میان یکی از بهترین تفاسیر این دفتر می‌باید برشمرد.

۳. علاقه‌مندان با مراجعه به وب‌سایت زیر، به توضیحاتی مفصل‌تر درباره زبان چینی باستان، تلفظ یک‌به‌یک نویسه‌ها، لغت‌نامه الفاظ دائو‌ده جینگ، جداول کامل نحوه تلفظ فارسی نوشت‌ها و مطالعات دیگری دسترسی خواهند داشت که امکان ارائه آن همه در این اثر نبود: www.Daoism.ir

ایزدان دانویی و جاودانگان (عالی‌ترین مرتبه در طبقات اولیاء دانویی) ظهورات و بروزات مقرب این حقیقت‌اند و در مقامات ملکوتی خود، خویشکاری مختص به خود دارند و موکل‌اند بر امور مختلف عالم. یکی از ظهورات ملکوتی او «بزرگ‌نام بلند پایه شهریار پیر» (تائی شانگ لاتو چوین 太上老君) یا به اختصار «شهریار پیر» است که در ادوار مختلف تجلیات مختلف دارد، و در عصر فرمانروایی دودمان «جَو» شرقی در جامه «لاتوذزی» که «کاتب» دفتر دربار است، ظهور می‌کند.

اما موزخا ستنی چین، از زمان حکومت دودمان «هان» و تاریخ‌گزار اعظم، «سی ما چین»، در حدود چهار قرن پیش از عصر ظهور لاتوذزی، وی را فرزانه‌ای بزرگ معرفی می‌کنند که حتی کنفوسیوس (کنفوشی 孔子) را نکتہ‌ها آموخته است. به هر حال، هم پیروان آیین دانویی و هم مورخان قدیم چین، دفتر «لاتوذزی» یا «دائوده جینگ» را نوشته‌وی می‌دانند؛ اویی که رخت حریرت به برمی‌کند و راهی غرب می‌شود^۴ و بر گذرگاه «هان گو»، «بین شی» (尹喜)، مرغان، کبک‌ها، گدازگاه، او را متوقف می‌کند و از وی تقاضا می‌دارد که دفتری در باب تعالیم خود بنویسد. در اجابت به این خواهش است که «لاتوذزی» «دائوده جینگ» را در مدت سه روز متالی می‌نویسد. در سنت شرق دور، همواره «لاتوذزی» را به معنی «استاد پیر» یا «استاد لاتو» نام تحریر می‌نویسند دفتر لاتوذزی یا «دائوده جینگ» می‌دانند. بنا به کهن‌ترین تذکره‌ها، او مردی بود است از سرزمین «جَو» (楚) واقع در جنوب شرقی چین، با نام خاندانی «لی» (李) و نام «لی» و لقب^۵ «دان»

۴. در بعضی قصص اشاره است به «هندوستان، و از آن فراتر، کشمیر».

۵. به معنی گوش.

۶. لقب (دزی 子) نامی است که در هنگام جوانی مطابق با خیم‌و‌خوی شخص، خانواده یا نخستین مرتبه به وی اعطا می‌کنند.

(附) ۷. در سال ۵۰۰ ق.م (مطابق گزارش *جوانگ دزی*)، کنفوسیوس به دیدار او می‌رود و از تعلیم وی بهره‌ور می‌گردد، او را فراوان می‌ستاید و به «ازدها»^۸ مثال می‌زند. در زیر به کهن‌ترین یادکردهای «لاتوذزی» در متون مربوط به عصر حکومت «جَو» و اوایل «هان» اشاره می‌کنیم.

در *جوانگ دزی* (دفتر استاد *جوانگ*، قرن ۴ ق.م) چندین بار به «لاتوذزی» یا «لاتودان»^۹ یعنی «دان پیر» اشاره می‌شود و خاصه در فصل چهاردهم گزارشی مفصل از دیدار کنفوسیوس و شاگردش با لاتوذزی عرضه می‌کند. آنچه در ادامه می‌آید، مختصری است از اشاراتی به شخصیت «لاتوذزی» در بخش‌های مختلف دفتر *جوانگ دزی*:^{۱۰}

هنامی که «لاتودان» وفات یافت، «چین شِی» در مراسم ترحیم وی شرکت کرد، سه بار مراد او سوس برآورد و از آنجا رفت. مریدان گفتند: «مگر نه اینکه تو یار استاد ما نیستی؟» گفت: «آری»، گفتند: «پس آیا شیون کردنت همین قدر بود؟» گفت: «آری». من هم پیش او را انسانی می‌پنداشتم، و امروز دیگر چنین نمی‌اندیشم. چون اندر سدم و به رف نشستم، پیری را دیدم که چنان می‌گریست گویی بر مرده فرزند خویش می‌گریست. جوانی را دیدم چنان

۷. این نویسه، نظر به جزء صوری 耳 (گوش)، به معنای «گوشه» است.

۸. «ازدها» رمز ظهور گامگاهی مبادی عالی در دنیا است؛ هر زمان که بنده به زمین فرود می‌آید و چون بخواهد در آسمان عروج می‌کند. همچنین، «ازدها» با رموز «باران»، «مرسم یانی» پیوند دارد و نیز در آیین‌های «کیمیای درون» دائویی، رمز وجه یانگ است در مقابل «بیره» که «یین» است.

۹. «جوانگ دزی» در فصل چهاردهم، اسامی «لاتوذزی» و «لاتودان» را به‌تنباه می‌شمارد، اشاره به یک فرد که کنفوسیوس به دیدار او رفته است، به کار می‌برد و این جای شک نمی‌گذارد که منظور او از «لاتودان» در فصول دیگر نیز کسی نیست جز «لاتوذزی».

۱۰. ترجمه‌ها همه از نویسنده است.

می‌گریست گویی بر مردهٔ مادر خویش می‌گریست ... چون زمان آمدن بود، استاد همراه ادوار شد، و چون زمان رفتن بود، استاد تابع دهر شد. او که در همراهی با ادوار می‌آرامد و در تبعیت از دهر سکنی می‌گزیند، غم و شادی بر او وارد نتواند شد ... (جوانگ‌دزی، فصل سوم).

در سرزمین «لُو»، مردی بود انگشت‌بریده معروف به «شُو شان بی انگشت». او به «مار» «کنفوسیوس» رفت. ... «بی انگشت» این واقعه را به نزد «لائو دزی» معرفی کرد و گفت: «این کنفوسیوس هنوز انسانی و اصل (至人) نگشته است. این شاگردان برگرد او چه می‌خواهند شد؟ او سخت در پی شهره شدن است و به نفع‌العهاده بودن، و نمی‌داند که انسان‌های واصل این خیالات را قیدوبندی را خود می‌دانند». «لائودان» گفت: «چرا او را بی‌پرده آگاه نساختی از یگانگی رفت و آمد و توانایی و ناتوانی تا از قیدوبندش رها سازی؟ آیا نمی‌شد چنین نمی‌گفت؟ بی انگشت» گفت: «او را که آسمان سزا دهد، چگونه [از آن] رها تواند شد؟» (جوانگ‌دزی، فصل پنجم).

«یانگ دزی» به دیدار «لائودان» رفت و پرسید: «چرا آن‌ها مردی هست تیزفهم و سخت‌کوش در یادگیری، تا دل موجودات رسوخ و کثرت به نور [و معرفت] دست یابد، و بی‌وقفه به کار مطالعهٔ دائو می‌کوشد، چنین مردی را با فغفوران منوّر قیاس توانیم کرد؟» «لائودان» گفت: «در قیاس با مردی که فراموش کند همه آسان‌گیر و چیره‌دست بودند، چنین فردی تن را رنجور می‌کند و به تیرگی و ترس ظاهر [و پوست زیبای] ببر و پلنگ به میدان شکارشان می‌آورد، و چستی بوزینه و زیرکی سگ بر گردنشان قلاعه می‌افکنند. آیا چنین آدمی قابل قیاس است با فغفوران منوّر؟» ... (جوانگ‌دزی، فصل هفتم).

«تسوئی چو» از «لاتودان» پرسید: «آیا بدون فرمان راندن بر جهان، عقل و دل آدمیان را آرام توانند کرد؟» «لاتودان» گفت: «تو می‌باید مراقب باشی که با تمایلات عقل و دل آدمیان مخالفت نوری. دل آدمی چنان است که چون با آن مخالفت شود، فرومی‌نشیند و چون تأیید گردد برمی‌افروزد...»
(جوانگ نزی، فصل یازدهم).

هنگامی که «کنفوسیوس» پنجاه و یک سال داشت و هنوز در باب «دانه» نش‌نیده بود، به جنوب، سرزمین «پی»، به دیدار «لاتودان» رفت و «لاتودان» او را گفت: «آمدی؟ شنیده‌ام که در شمال کسی در خردمندی به بزرگی تو نیست، آیا دانه هم دست یافته‌ای؟» «کنفوسیوس» گفت: «هنوز نه.» «لاتودان» گفت: «آیا آن را جستجو کرده‌ای؟» «کنفوسیوس» جواب داد: «در اندازه‌ها و اعاد ری، بوده‌ام و پنج سال گشتم و نیافتم.» «لاتودان» گفت: «دیگر در کجایی؟» «کنفوسیوس» جواب داد: «در بین و یانگ در بی آن بوده‌ام، هفت سال گشتم و نیافتم... در دیدار با «لاتودان»، «کنفوسیوس» از «شفقت» (زی) و «پارسایی» (یی) سخن گفت: «لاتودان» گفت: «در هنگام باد دادن کاه‌ها چون پوشالی به چشمانت رود، جای آسمان و زمین و چهار جهت را همه دگرگون و بایی، پشه و مگس که پوستت را بگزد، همه شب را نتوانی خفت. به هم رنگت چون به مصیبت شفقت و پارسایی گرفتار شدی، عقلت را خشمگین می‌کند و هیچ پریشانی از این بزرگتر نیست. تو می‌باید جهانیان را بگذاری که سادگی فریست را از دست ندهند، و خود در هوای راستی و راست سویی مجال تنفس و تفریح یابی...» پس از بازگشت از نزد «لاتودان»، «کنفوسیوس» سه روز سخن نگفت. مریدان از وی پرسیدند: «استاد در دیدار با لاتودان او را چه پندی فرمود؟» «کنفوسیوس

گفت: «من آن روز با ازدهایی دیدار کردم. ازدهایی که چون در خود چنبیره می‌زند، تناور می‌گردد، و چون خود را می‌گستراند، ظاهر می‌گردد؛^{۱۱} او برابرها می‌نشیند و از بین ویانگ تغذیه می‌کند. دهان من از شگفتی بازمانده بود و نفس نمی‌توانستم کشید؛ چگونه لاتودان را پند می‌خواستم داد؟» «ذری گنگ» [یکی از شاگردان کنفوسیوس] گفت: «یعنی مردی هست که جسدوار سازن باشد و چون ازدها بنماید، چون رعد بغرد و چون اعماق آب‌ها خاموش باشد، حرکت او به آسمان و زمین ماند؟ آیا من هم او را می‌توانم دید؟» پس با توسیه نامه^{۱۲} از «کنفوسیوس» به دیدار «لاتودان» رفت ... (جوانگ‌دزی، فصل چهاردهم).

در کتاب تسی‌جی (تسی‌جی، اسرار کائنات دربار، یا تاریخ کهن نوشته «سی‌ماچین» در دنباله کار پدر خود «سی‌ماتان»، پایان یافته در حدود ۹۴ ق.م) تذکره‌ای از «لاتودزی» آمده است، که پس از ذکر نام و القاب وی می‌نویسد:

کنفوسیوس زمانی به سرزمین «جَو» سفر کرد، که می‌خواست در باب مناسک (لی) از «لاتودزی» پرسشی کند. «لاتودزی» گفت: «کسانی که از آنان سخن می‌گویی، استخوان‌هاشان هم تاکنون پوسید است»، و تمام سخنانی از آنان می‌شنویم. همچنین، چون امیری با ادوار زمانی هم‌اکنون بود، سوار بر گردونه است، و چون با ادوار زمانی هماهنگی نیابد، خانه به‌دش و درگردان است. چنین شنیده‌ام که بازگانان کارکشته «خزان‌های خود را» در خانه‌ها کنار می‌کنند و تهی می‌نمایند، امیری بادیه تابناک به نظر نابخرد می‌نماید. باد

۱۱. «گو شیا» (۲۵۲-۳۱۲ ق.م، شارح جوانگ‌دزی) در تفسیر این سخن می‌نویسد: «یعنی لاتودان تجلیات (بین هوا 變化) تواند داشت».

نخوت و خواهش های بسیار خود را و رنگ ظواهر و اراده های بلهوسانه خود را رها کن. این ها هیچ کدام منفعتی به آدمی نمی رسانند. آنچه تو را می خواستم گفت همین است». کنفوسیوس از آنجا می رود و با مریدان خود می گوید: «پرنندگان را می دانم که پرواز توانند کرد، ماهیان را می دانم که شنا توانند کرد، جانوران را می دانم که راه توانند سپرد. آنچه راه می سپرد، به دام می توانند انداخت، آنچه شنا می کند، به تور توانند گرفت، آنچه پرواز می کند، به تیر تواند زد. اما ازدها را نمی دانم که چطور بر باد و ابر سوار است و در آسمان عروج می کند. امروز به دیدار لاتووزی رفتم، تو گفتی او ازدهایی است».

«لاتووزی» دار «دانو» و «ده» می کوشید. تعلیم او پنهان کردن خویشتن و بی نامی در کارها بود. زمانی دراز در سرزمین «جَو» اقامت داشت، تا اینکه انحطاط دو ماه «جَو» مشاهده کرد، پس سرانجام آنجا را ترک گفت. چون به گذرگاه رسید، چهار گذرگاه «بین شی» او را گفت: «اگر استاد از پیش ما می خواهد رفت، پس اسامی کنه نوشته ای برای ما بنویسد». پس «لاتووزی» نوشته ای را در دو طومر نوشت درباره «دانو» و «ده» دارای پنج هزار و اندی لفظ،^{۱۲} و سپس از آنجا رفت. و هیچ کس سرانجام کار او را ندانست (همان، «ذکر لاتووزی و هان فی»).

مجموعه تذکره جاودانان (لیه شین جوان 列仙傳؛ تألیف: لی شیانگ، ۷۹-۸۴ ق.م) پس از ذکر نام و القاب «لاتووزی» می نویسد:

در «بین» به دنیا آمد و در حکومت «جَو» کاتب دربار شد. و در هدیب و پرورش خمیره (جینگ) و روح بخاری (چی) و فراوان انباشتن آنها بی آنکه

۱۲. دائوده جینگ همچنین مشهور است به دفتر پنج هزار الفاظ (وو چین 五千文).

چیزی هدر رود کاردان بود. سپس تر دفتردار دربار شد و بیش از هشتاد سال در این سمت بود. و کسی جی آن را دویست سال می‌گوید. و پس از آن بود که مشهور شد به «آزاد مرد خلوت نشین» و سپس تر او را «دان» (耳) لقب دادند.

زمانی کنفوسیوس به «جَو» رسید و با «لائو ذی» دیدار کرد و او را انسانی قدسی (شِینگ زین) ^{۱۳} دانست و تحت تعلیم او درآمد. سپس، هنگامی که در مان «جَو» رو به انحطاط نهاد، «لائو ذی» سوار بر گردونه‌ای بر دوش گاوی سبزرنگ به راه افتاد به سوی سرزمین روم. ^{۱۴} هنگامی که به دروازه گذرگاه رسید، نگهبان ^{۱۵} نگراه «بین شی» منتظر بود که او را خیر مقدم بگوید. «بین شی» از انسان راستین (جین زین) دانست و از وی تقاضای نوشتن رساله‌ای نمود. پس «لائو ذی» «دائودیه جینگ» را در دو طومار و دو بخش تألیف کرد.

老子無為
而無不為
死而不死
入一死
塞兌絕鏡
冥不絕涯
德合元氣
壽同兩儀

«لائو ذی» بی فعل است،

و نیست فعلی ناکرده.

۱۳. این لفظ را در متن «دائودیه جینگ» ترجمه کرده‌ایم به «انسان فرهیخته». دقت نمود که در رسم نویسه «شِینگ» نیز همان جزء صوری 耳 (گوش) و معنای نبوشیدن که در «دان» یعنی لقب «لائو ذی» (بزرگ نبوشا) است، حضور دارد، و این جزء، خود نام کوچک او یعنی «ئو» (耳) است. همچنین بنگرید به توضیحات «انسان فرهیخته» در بخش «شرح اصطلاحات».

۱۴. از روی قیاس با تذکرة‌های دیگر، معلوم می‌شود که مراد از روم (تاجین 大秦) صرفاً اشاره به غرب است.